

مقاله پژوهشی اصیل

بررسی ساختار عاملی، روایی و پایایی مقیاس وسواس مرگ

دکتر علی محمدزاده^۱

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور
استان آذربایجان شرقی

دکتر علی اصغر نژاد فرید

استادیار گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علوم
پزشکی ایران

احمد عاشوری

دانشجوی دکتری تخصصی روان‌شناسی
بالینی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

هدف: مقیاس وسواس مرگ، که عبدالخالق (۱۹۹۸) در مصر ساخته است، اشتغالات ذهنی، تکانه‌ها و عقاید مقاوم مربوط به مرگ را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. هدف پژوهش حاضر بررسی خصوصیات روان‌سنجی این ابزار در ایران است. **روش:** این پژوهش که در یک بررسی زمینه‌یابی و پس‌رویدادی انجام شد، از نوع توصیفی-مقطعی است. حجم نمونه این پژوهش ۳۴۲ نفر (۱۲۶ مرد و ۲۱۶ زن) بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی از دانشکده‌های مختلف دانشگاه علامه طباطبایی انتخاب شدند و با مقیاس وسواس مرگ مورد آزمون قرار گرفتند. **یافته‌ها:** تحلیل عاملی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی، سه عامل پیشنهاد کرد که به ترتیب *نشخوار مرگ*، *سلطه مرگ*، *عقاید تکراری مربوط به مرگ* نام گرفتند. بین گروه مردان و زنان در مقیاس وسواس مرگ و عوامل آن تفاوت معناداری مشاهده نشد. به منظور بررسی روایی همزمان، از اجرای همزمان مقیاس اضطراب مرگ استفاده شد که حاکی از روایی همزمان مطلوب می‌باشد. علاوه بر این، سه نوع پایایی (بازآزمایی، تنصیفی و همسانی درونی) گزارش شد. **نتیجه‌گیری:** یافته‌های تحلیل عاملی، مشابه تحقیقات انجام گرفته در فرهنگ اصلی، و ضرایب روایی و پایایی نیز به نتایج تحقیقات پیشین نزدیک بود. با توجه به خصوصیات روان‌سنجی مطلوب، ابزار پژوهش حاضر می‌تواند در تحقیقات مربوط به مرگ به کار رود. از آنجا که نمونه پژوهش حاضر فقط دانشجویان بودند، در تعمیم یافته‌های این پژوهش به سایر طبقات اجتماعی باید احتیاط کرد.

کلیدواژه‌ها: مقیاس وسواس مرگ، وسواس فکری، اضطراب، ساختار عاملی، روایی، پایایی

مقدمه

روان‌شناسان علاقه‌مند به مطالعه دین مواردی همچون نگرش و واکنش به مرگ را مورد مطالعه تجربی قرار می‌دهند و در این کار از روش‌های علوم رفتاری و اجتماعی معاصر بهره می‌برند. در سال‌های اخیر روند پژوهش در مورد مذهب و سلامت روان پیشرفت فزاینده‌ای کرده است. بدون تردید مرگ و زندگی بعد از مرگ، و نیز نگرش انسان به آن یکی از موضوعات اساسی مورد بحث در همه ادیان الهی به شمار می‌رود. یافته‌های

پژوهشی رابطه مثبت باورهای مذهبی با مؤلفه‌های مختلف سلامت روان، مانند کاهش علائم افسردگی (مالتبی^۲ و دی^۳، ۲۰۰۰ الف)، کاهش تنیدگی (مختاری، الهیاری، رسولزاده طباطبایی، ۱۳۸۰)، کاهش اضطراب و حرمت خود (بهرامی احسان، ۱۳۸۱)، سازگاری (خداپناهی و خاکسار بلداجی، ۱۳۸۴)، سرسختی و شادکامی (آزموده، شهیدی و دانش، ۱۳۸۶) و صفات اسکیزوتایپی (محمدزاده، نجفی و عاشوری، ۱۳۸۸) را نشان داده‌اند.

یکی از راه‌هایی که باورهای مذهبی از آن طریق سلامت روان را ارتقا می‌دهند، کاهش ترس از مرگ است (فرای^۴،

2- Maltby
4- Fry

3- Day

۱- نشانی تماس: تبریز، خیابان مشروطه، دانشگاه پیام نور آذربایجان شرقی، گروه روان‌شناسی.
Email: ali-mohammadzadeh@gmail.com

هدف پژوهش حاضر، علاوه بر تعیین ساختار عاملی، ارزیابی روایی و پایایی این پرسشنامه در ایران است. ابزار حاصل از این پژوهش می‌تواند در تحقیقات و نگرش‌های مربوط به مرگ در جامعه ایرانی به کار رود.

روش

پژوهش حاضر که در یک بررسی زمینه‌یابی و پس-رویدادی انجام شده است، از نوع توصیفی-مقطعی می‌باشد. ابتدا مقیاس وسواس مرگ به وسیله محقق به فارسی برگردانده شد. سپس از دو نفر متخصص زبان انگلیسی (یک کارشناس ارشد مترجمی زبان انگلیسی و یک دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی) خواسته شد که ماده‌های برگردانده شده فارسی را به انگلیسی ترجمه معکوس^{۱۱} نمایند. آن‌گاه شکاف‌های موجود در تطابق دو ترجمه اصلاح گردید. پس از آن، آزمون به دست آمده در چند آزمودنی به صورت آزمایشی اجرا و اشکالات آن برای کاربرد نهایی رفع شد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دختر و پسر شش دانشکده دانشگاه علامه طباطبایی بودند که در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ تحصیل می‌کردند. از هر دانشکده دو کلاس انتخاب شد و مورد آزمون قرار گرفت. روش نمونه-برداری از نوع تصادفی طبقه‌ای و حجم نمونه انتخاب شده ۳۴۲ نفر بود. نمونه‌برداری بر اساس جدول مورگان و با در نظر گرفتن تعداد تقریبی جامعه آماری انجام شد.

ابزارها

مقیاس وسواس مرگ (DOS): این مقیاس شامل ۱۵ ماده است و وضعیت‌ها را بر پایه مقیاس پنج‌ماده‌ای از نوع لیکرت می-

۲۰۰۰؛ سیسیرلی^۱، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲). ترس از مرگ محرک نیرومند رفتار از جمله وابستگی‌های فرهنگی است. بر اساس نظریه مدیریت وحشت^۲ (روزنبلات^۳، گرینبرگ^۴، سولومون^۵، فیزنسکی^۶ و لیون^۷، ۱۹۸۹)، یادآوری فناپذیری با ایجاد اضطراب اضطراب فوق‌العاده، فرد را در جهت کاهش آن برمی‌انگیزد (کوهن^۸ و همکاران، ۲۰۰۵). اضطراب مرگ می‌تواند تهدید قابل توجهی برای بهزیستی روانی به شمار رود. این مسأله در مورد جوانان بیشتر صدق می‌کند؛ چرا که ترس از مرگ در این گروه بسیار قوی‌تر از سالمندان است (فورتنر^۹ و نیمیر^{۱۰}، ۱۹۹۹؛ کوهن و همکاران، ۲۰۰۵).

از سوی دیگر، برخی مطالعات نشان داده‌اند که بین ترس از مرگ با بهزیستی وجودی^{۱۱} و معنوی^{۱۲} رابطه وجود دارد (هینتز^{۱۳} و باروس^{۱۴}، ۲۰۰۱)، ولی به دلیل همپوشی مفهومی زیاد این دو، تفسیر این یافته‌ها تا حدودی مشکل است و بنابراین، رابطه بین اضطراب مرگ و سلامت روان از شفافیت لازم برخوردار نیست. با اینکه اشتغال ذهنی با مرگ در همه ادیان و افراد مذهبی روشی برای تدارک زندگی معنادار تلقی می‌شود، ولی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اشتغال ذهنی با مرگ می‌تواند در برخی افراد مذهبی تولید اضطراب و افسردگی نماید (مالتبی و دی، ۲۰۰۰ب).

مقیاس وسواس مرگ^{۱۵} (DOS)، که به وسیله عبدالخالق^{۱۶} (۱۹۹۸) در مصر ساخته شده است، اشتغالات ذهنی، تکانه‌ها و عقاید مقاوم مربوط به مرگ را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این مقیاس ابزار مکمل دو ابزار پژوهشی موجود مربوط به مرگ (مقیاس‌های اضطراب و افسردگی مرگ) است. بررسی‌های تحلیل عاملی^{۱۷} ماده‌های مقیاس وسواس مرگ، بیانگر آن است که این مقیاس یک صفت تک‌بعدی را نمی‌سنجد. عبدالخالق (۱۹۹۸) برای مقیاس وسواس مرگ سه عامل را شناسایی کرده است که به ترتیب عبارتند از: نشخوار مرگ^{۱۸}، سلطه مرگ^{۱۹}، عقاید تکراری مربوط به مرگ^{۲۰}. مالتبی و دی (۲۰۰۰ب) نیز در یک نمونه ۲۷۹ نفری انگلیسی همین سه عامل را برشمردند.

1- Cicirelli	2- terror management theory
3- Rosenblatt	4- Greenberg
5- Solomon	6- Pyszczynski
7- Lyon	8- Cohen
9- Fortner	10- Neimeyer
11- existential well-being	12- spiritual well-being
13- Heintz	14- Baruss
15- Death Obsession Scale	16- Abdel-Khalek
17- factor analysis	18- death rumination
19- death dominance	20- death idea repetition
21- back translation	

یافته‌ها

فراوانی شرکت‌کنندگان در طبقات جنسیتی بر اساس مشخصه‌های آمار توصیفی در جدول ۱ نشان داده شده است.

نخست قابلیت تحلیل عاملی از طریق مقیاس کایزر-مایر-اولکین^۲ (KMO) و مقیاس کرویت بارتلت^۳ بررسی شد. بر این اساس، مقدار مقیاس کایزر-مایر-اولکین ($KMO = 0/89$) بیانگر کفایت نمونه است و آزمون کرویت بارتلت ($3995/94$) نشان می‌دهد که ماتریس همبستگی داده‌ها در جامعه صفر نیست و بنابراین عامل‌یابی قابل توجیه است. آن گاه، به منظور بررسی ساختار عاملی مقیاس وسواس مرگ، از شیوه اکتشافی و روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی^۴ با چرخش پروماکس استفاده شد. داده‌های کل نمونه آماری (۳۴۲ نفر) در تحلیل عاملی وارد شدند. ماده‌هایی مشمول یک عامل شدند که وزن عاملی $0/30$ یا بیشتر داشتند. جدول ۲ وزن‌های عاملی هر یک از ماده‌ها را بعد از چرخش پروماکس^۵ نشان می‌دهد. در کل ارزش ویژه سه عامل بیشتر از یک بود ($6/89$ ، $2/91$ و $1/14$). این سه عامل که $73/05$ درصد واریانس کل را تبیین می‌کنند، بر اساس رسم نمودار ارزش‌های ویژه (آزمون اسکری^۶) و الگوی وزن‌های عاملی پیشنهاد شدند.

عامل اول (۸ ماده) ارزش ویژه برابر با $6/89$ دارد و $45/97$ درصد واریانس‌های مشاهده‌شده را توجیه می‌کند. این عامل «نشخوار مرگ» نام گرفت و شامل سؤال‌هایی مثل «نمی‌توانم فکر مرگ را از ذهنم بیرون کنم» می‌شود.

دومین عامل (۴ ماده) ارزش ویژه برابر با $2/91$ دارد و $19/44$ درصد واریانس را تبیین می‌کند. این عامل «سلطه مرگ» نام گرفت و شامل سؤال‌هایی مثل «فکر اینکه (در سنین جوانی) خواهم مرد وجود مرا فرا گرفته است» می‌شود.

سنجد. در این مقیاس «یک» معادل «اصلاً» و «پنج» معادل «خیلی زیاد» است و دامنه نمره‌های آن بین ۱۵ تا ۷۵ قرار دارد. مقیاس وسواس مرگ سه عامل دارد که به ترتیب عبارتند از: نشخوار مرگ، سلطه مرگ و عقاید تکراری مربوط به مرگ. عبدالخالق (۱۹۹۸) در فرهنگ اصلی، ضریب همسانی درونی این مقیاس و عوامل آن را $0/90$ و بیشتر گزارش کرده است. روایی مقیاس وسواس مرگ از طریق محاسبه ضریب همبستگی با مقیاس‌های مشابه، به عنوان روایی همزمان نشان داده شده است. بر این اساس ضریب همبستگی مقیاس وسواس مرگ با مقیاس اضطراب مرگ $0/62$ ، با مقیاس افسردگی مرگ $0/57$ ، با مقیاس وسواس عمومی $0/46$ ، با اضطراب عمومی $0/33$ ، با افسردگی عمومی $0/42$ و با مقیاس روان‌نژندی پرسشنامه شخصیتی آیزنک $0/35$ گزارش شده است.

مقیاس اضطراب مرگ^۱ (DAS): این مقیاس شامل ۱۵ ماده است که نگرش آزمودنی‌ها را به مرگ می‌سنجد. آزمودنی‌ها پاسخ‌های خود را به هر سؤال با گزینه‌های «بلی» یا «خیر» مشخص می‌کنند. پاسخ «بلی» نشانگر وجود اضطراب در فرد است. بدین ترتیب، نمره‌های این مقیاس می‌تواند بین صفر تا ۱۵ متغیر باشد که نمره بالا معرف اضطراب زیاد افراد در مورد مرگ است. بررسی‌های به عمل آمده در مورد روایی و پایایی مقیاس اضطراب مرگ نشان می‌دهد که این مقیاس از اعتبار قابل قبولی برخوردار است. در فرهنگ اصلی، ضریب پایایی بازآزمایی مقیاس $0/83$ ، روایی همزمان به وسیله همبستگی آن با مقیاس اضطراب آشکار $0/27$ و با مقیاس افسردگی $0/40$ گزارش شده است (به نقل از رجیبی و بحرانی، ۱۳۸۰). پایایی و روایی این پرسشنامه را در ایران رجیبی و بحرانی (۱۳۸۰) مورد بررسی قرار داده و بر این اساس ضریب پایایی تنصیفی را $0/6$ و ضریب همسانی درونی را $0/73$ گزارش کرده‌اند. برای بررسی روایی مقیاس اضطراب مرگ از دو آزمون مقیاس نگرانی مرگ و مقیاس اضطراب آشکار استفاده شد که نتیجه آن $0/04$ برای ضریب همبستگی مقیاس اضطراب مرگ با مقیاس نگرانی، و $0/34$ برای ضریب همبستگی مقیاس اضطراب مرگ با مقیاس اضطراب آشکار بود (رجیبی و بحرانی، ۱۳۸۰).

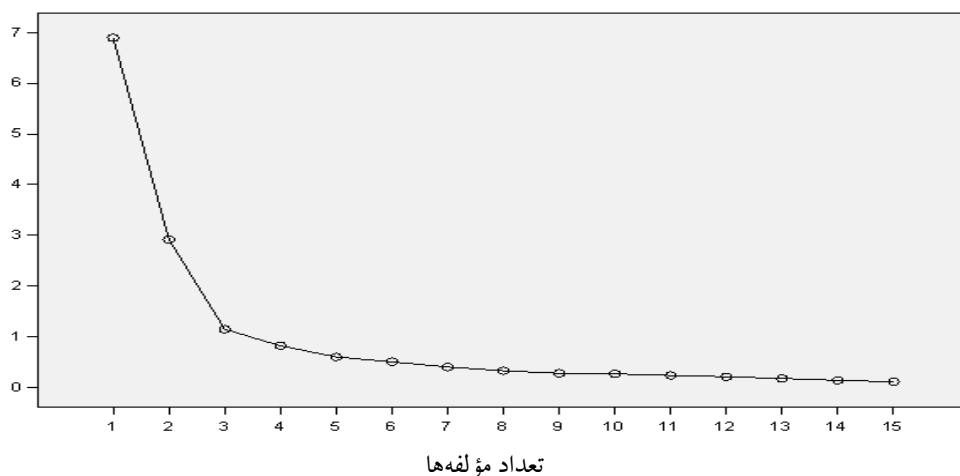
1- Death Anxiety Scale
2- Kaiser-Meyer-Olkin Measure
3- Bartlett's Test of Sphericity
4- principle-component analysis
5- promax rotation
6- scree

جدول ۱- مشخصات جمعیت شناختی نمونه تحقیق

تعداد	درصد	میانگین سنی	انحراف معیار
۲۲۶	۶۶/۱	۲۲/۳۷	۲/۹۳
۱۱۶	۳۳/۹	۲۳/۱۵	۳/۰۱
۳۴۲	۱۰۰	۲۲/۶۳	۲/۹۸

جدول ۲- عوامل مقیاس وسواس مرگ و وزن های عاملی مربوط به هر ماده

وزن عاملی	ماده ها
	عامل اول: تشخیص مرگ
۱	۹- نگرانی بیش از اندازه ای نسبت به افکار مرگ دارم
۰/۹۴	۸- فکر مرگ بر من چیره شده است
۰/۹۳	۴- فکر مرگ مرا به خود مشغول کرده است
۰/۹۲	۱۰- احساس می کنم مملو از افکار مربوط به مرگ هستم
۰/۸۲	۳- نمی توانم فکر مرگ را از ذهنم بیرون کنم
۰/۸۰	۱۲- مدام به مرگ فکر می کنم
۰/۷۱	۷- احساس می کنم مجبورم به مرگ بیندیشم
۰/۵۸	۵- خلاصی از افکار مربوط به مرگ برایم خیلی مشکل است
	عامل دوم: سلطه مرگ
۰/۹۶	۲- فکر اینکه (در سنین جوانی) خواهم مرد وجود مرا فرا گرفته است
۰/۷۸	۱۵- احساس اینکه بطور ناگهانی خواهم مرد، غافلگیرم می کند
۰/۷۴	۶- جنبه های هشدار دهنده و دردناک مرگ را به خودم یادآوری می کنم
۰/۴۹	۱- سوالاتی درباره مرگ به ذهنم می رسد که نمی توانم پاسخی به آنها بدهم
	عامل سوم: عقاید تکراری مربوط به مرگ
۰/۸۲	۱۱- می ترسم افکار مرگ وجود مرا فرا بگیرند
۰/۸۱	۱۳- تفکر راجع به مرگ تنش زیادی برایم ایجاد می کند
۰/۸۰	۱۴- افکار تکراری مربوط به مرگ ناراحتی می کند



شکل ۱- آزمون اسکری برای عوامل استخراج شده از مقیاس وسواس مرگ

جدول ۳ - مقایسه گروه‌های زن و مرد در مقیاس وسواس مرگ و عوامل آن

جنس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
مرد	۱۱۶	۲۳/۱۵	۵/۰۶	-۰/۸۳	۳۴۰	۰/۴۰
زن	۲۲۶	۲۳/۶۵	۵/۳۴			
مرد	۱۱۶	۱۲/۷۳	۶/۳۴	-۰/۶۳	۳۴۰	۰/۵۲
زن	۲۲۶	۱۳/۲۰	۶/۶۰			
مرد	۱۱۶	۶/۱۴	۳/۰۵	۰/۲۹	۳۴۰	۰/۷۶
زن	۲۲۶	۶/۰۴	۲/۸۰			
مرد	۱۱۶	۴/۲۷	۱/۹۸	-۰/۵۶	۳۴۰	۰/۵۷
زن	۲۲۶	۴/۴۰	۱/۹۷			

جدول ۴ - ضرایب پایایی مربوط به مقیاس اضطراب مرگ و عوامل آن

مقیاس وسواس مرگ / ضرایب پایایی	کل مقیاس	نشخوار مرگ	سلطه مرگ	عقاید تکراری مربوط به مرگ
بازآزمایی	۰/۷۳	۰/۷۶	۰/۷۷	۰/۸۳
تنصیف	۰/۵۷	۰/۹۲	۰/۸۱	۰/۷۴
همسانی درونی	۰/۵۹	۰/۹۵	۰/۷۸	۰/۸۱

به منظور بررسی روایی همزمان، از اجرای همزمان مقیاس اضطراب مرگ استفاده شد. بدین منظور ۸۱ نفر از نمونه تحقیق که به طور تصادفی انتخاب شده بودند، همزمان به سؤال‌های دو پرسشنامه جواب دادند. نتایج تحلیل نشان داد که همبستگی بین دو پرسشنامه ۰/۷۶ ($p < ۰/۰۰۱$) می‌باشد. همچنین، نتایج تحلیل حاکی از آن بود که همبستگی عوامل سه گانه مقیاس وسواس مرگ با مقیاس اضطراب مرگ به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۶۱ و ۰/۵۸ می‌باشد ($p < ۰/۰۰۱$).

برای تعیین پایایی بازآزمایی مقیاس، ۴۴ نفر به صورت نمونه‌گیری داوطلب از نمونه آماری انتخاب و سپس به فاصله چهار هفته دوباره آزمایش شدند. ضریب پایایی کل مقیاس ۰/۷۳ و برای زیرمقیاس‌های نشخوار مرگ، سلطه مرگ و عقاید تکراری مربوط به مرگ به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۷ و ۰/۸۳ به دست آمد ($p < ۰/۰۰۱$). به منظور تعیین پایایی تنصیفی مقیاس، از داده‌های کل نمونه (۳۴۲ نفر) استفاده شد. بدین منظور سؤال‌ها به دو قسمت زوج و فرد تقسیم و نمره آزمودنی‌ها در هر قسمت محاسبه گردید. سپس، ضریب همبستگی بین دو قسمت بر اساس ضریب همبستگی تصحیح شده اسپیرمن - براون محاسبه شد. این

عامل سوم «عقاید تکراری مربوط به مرگ» نام گرفت. این عامل سه ماده دارد. ارزش ویژه آن برابر با ۱/۱۴ می‌باشد، ۷/۶۳ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کند و ماده‌هایی مثل «می ترسم افکار مرگ وجود مرا فرا بگیرند» را دربرمی‌گیرد.

آزمون اسکری که نشانگر تعداد عوامل استخراج شده می‌باشد، در شکل ۱ مشاهده می‌شود. علاوه بر تحلیل عاملی کل نمونه، روی نمونه‌های زن و مرد هم تحلیل‌های جداگانه انجام شد. از نظر تعداد و ترتیب عوامل استخراج شده، این تحلیل‌ها تفاوتی با تحلیل عاملی کل نمونه نداشت، ضمن این که سه عامل مذکور، در گروه مردان ۷۸/۰۸ درصد و در گروه زنان ۷۱/۴۷ درصد از کل واریانس مشاهده شده را تبیین می‌کند.

برای مقایسه نمره‌های گروه زنان و مردان از آزمون t برای نمونه‌های مستقل استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ مشاهده می‌شود. همسو با تفاوت نداشتن عوامل استخراج شده در دو گروه مردان و زنان، نتایج جدول فوق نیز تفاوت نداشتن دو گروه را در نمره‌های کسب شده در کل مقیاس وسواس مرگ و نیز عوامل مربوط به آن نشان می‌دهد.

بخش بود. شاخص‌های ضریب پایایی مطلوب گزارش شد. بدین منظور، از سه روش بازآزمایی، تصنیفی و ضریب همسانی درونی استفاده شد. ضرایب پایایی برای کل مقیاس و عوامل آن بین ۰/۵۷ تا ۰/۹۲ قرار دارد که ضرایب مطلوبی می‌باشد و به دو مطالعه قبلی (عبدالخالق، ۱۹۹۸؛ مالتبی و دی، ۲۰۰۰) نزدیک است. شاخص‌های ضریب پایایی بیانگر آن است که مقیاس وسواس مرگ خیلی دستخوش تغییرات وضع و حالت نمی‌شود و در طول زمان ثبات کافی دارد.

به طور کلی، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که با استفاده از مقیاس وسواس مرگ می‌توان به‌طور قابل قبول ویژگی‌های مرضی مربوط به مرگ را در دانشجویان و احتمالاً گروه‌های دیگر اجتماعی جامعه ایران اندازه‌گیری کرد. استفاده از این مقیاس می‌تواند راه‌گشای بسیاری از تحقیقاتی باشد که در آنها اندازه‌گیری نگرش‌های مربوط به مرگ اهمیت ویژه‌ای دارد.

پیشنهادها

از آنجا که نمونه پژوهش حاضر را دانشجویان تشکیل می‌دادند، به نظر می‌رسد که در تعمیم یافته‌های پژوهش حاضر به سایر طبقات اجتماعی باید احتیاط کرد، چرا که احتمال تفاوت در نگرش‌های مربوط به مرگ با توجه به عوامل جمعیت‌شناختی وجود دارد (فسلر^۴ و ناوارت^۵، ۲۰۰۵). در پژوهش حاضر امکان دسترسی به نمونه متشکل از افراد مسن به منظور مقایسه یافته‌ها فراهم نشد و چون نگرش‌های مربوط به مرگ و به تبع آن اضطراب و وسواس مرگ در دوره‌های مختلف به احتمال زیاد دچار نوسان می‌شود، پیشنهاد می‌شود یافته‌های پژوهش حاضر در نمونه‌های دیگر، به ویژه سالمندان و افراد در حال مرگ، بررسی شود. پژوهش حاضر با حمایت مالی مرکز تحقیقات بهداشت روان، انستیتو روان‌پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران انجام گرفته است.

دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۶/۱۴ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۲/۱۷

ضریب برای کل مقیاس ۰/۵۷ و برای زیرمقیاس‌های نشخوار مرگ، سلطه مرگ و عقاید تکراری مربوط به مرگ به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۸۱ و ۰/۷۴ به دست آمد ($p < ۰/۰۰۱$).

برای سنجش پایایی درونی مقیاس، از ضریب آلفای کرونباخ^۱ استفاده شد. در اینجا نیز داده‌های کل نمونه (۳۴۲ نفر) تحلیل شد. بر اساس نتایج حاصل، ضریب آلفا برای کل مقیاس ۰/۵۹ و برای زیرمقیاس‌های نشخوار مرگ ۰/۹۵، سلطه مرگ ۰/۷۸ و عقاید تکراری مربوط به مرگ ۰/۸۱ محاسبه گردید ($p < ۰/۰۰۱$) که رضایت‌بخش می‌باشد. جدول ۴ ضرایب سه‌گانه پایایی مربوط به مقیاس وسواس مرگ و عوامل آن را خلاصه کرده است.

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی خصوصیات روان‌سنجی مقیاس وسواس مرگ است. نتایج تحلیل عاملی با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی نشان داد که این پرسشنامه مقیاسی چندبعدی است. عوامل سه‌گانه نشخوار مرگ، سلطه مرگ، عقاید تکراری مربوط به مرگ به ترتیب بیشترین میزان واریانس را تبیین می‌کنند (جدول ۳). این یافته با پژوهش‌های قبلی هماهنگ است. از منظر مطالعات بین‌فرهنگی، تشابه عوامل استخراج‌شده با پژوهش‌های عبدالخالق (۱۹۹۸) در مصر و امالتبی و دی (۲۰۰۰) در انگلیس، هم در تعداد و هم در ترتیب، و نیز درصد قابل ملاحظه واریانس تبیین‌شده (بیش از ۷۰ درصد) به وسیله عوامل استخراج‌شده، بیانگر روایی سازه^۲ مناسب این پرسشنامه می‌باشد. نتایج پژوهش نشان داد که بین گروه زنان و مردان در مقیاس وسواس مرگ و عوامل آن تفاوت معناداری وجود ندارد. این یافته نیز با تحقیق انجام گرفته در فرهنگ اصلی (عبدالخالق، ۱۹۹۸) همسوست. بر این اساس، به نظر می‌رسد وسواس مرگ نیز مطابق شیوع برابر افکار وسواسی در دو جنس (انجمن روان‌پزشکی آمریکا^۳، ۲۰۰۰) توزیعی برابر داشته باشد.

ضرایب حاصل از اجرای همزمان مقیاس اضطراب مرگ و مقیاس وسواس مرگ به‌منظور احراز روایی همزمان نیز رضایت-

1- Cronbach's alpha
2- construct validity
3- American Psychiatric Association
4- Fessler
5- Navarrete

منابع

- آزموده، پ.، شهیدی، ش. و دانش، ع. (۱۳۸۶). رابطه بین جهت گیری مذهبی با سرسختی و شادکامی در دانشجویان. *مجله روان شناسی*، ۴۱، ۷۴-۶۰.
- بهرامی احسان، ه. (۱۳۸۱). رابطه بین جهت گیری مذهبی، اضطراب و حرمت خود. *مجله روان شناسی*، ۲۴، ۳۴۷-۳۳۶.
- خداپناهی، م.، و خاکسار بلداجی، م. (۱۳۸۴). رابطه جهت گیری مذهبی و سازگاری روان شناختی در دانشجویان. *مجله روان شناسی*، ۳۵، ۳۲۰-۳۱۰.
- رجبی، غ.، و بحرانی، م. (۱۳۸۰). تحلیل عاملی سؤال های مقیاس اضطراب مرگ. *مجله روان شناسی*، ۲۰، ۳۴۴-۳۳۱.
- محمدزاده، ع.، نجفی، م.، و عاشوری، ا. (۱۳۸۸). جهت گیری مذهبی در شخصیت اسکیزوتایپی. *مجله روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران*. پذیرفته شده برای چاپ.
- مختاری، ع.، الهیاری، ع.، و رسولزاده طباطبایی، ک. (۱۳۸۰). رابطه جهت گیری های مذهبی با میزان تنیدگی. *مجله روان شناسی*، ۱۷، ۶۷-۵۶.
- Abdel-Khalek, A. M. (1998). The structure and measurement of death obsession. *Personality and Individual Differences*, 24, 159-165.
- American Psychiatric Association. (2000). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (4 rd., Revised)*. Washington, DC: APA.
- Cicirelli, V. G. (2001). Personal meanings of death in older adults and young adults in relation to their fears of death. *Journal of Gerontology*, 21, 663-683.
- Cicirelli, V. G. (2002). Fear of death in older adults: Predictions from terror management theory. *Death Studies*, 57, 358-366.
- Cohen, A. B., Pierce, J. D., Chambers, J., Meade, R., Gorvine, B. J., Harold, G., & Koenig, H. G. (2005). Intrinsic and extrinsic religiosity, belief in the afterlife, death anxiety, and life satisfaction in young Catholics and Protestants. *Journal of Research in Personality*, 39, 307-324.
- Fessler, D. M. T. & Navarrete, C. D. (2005). The effect of age on death disgust: Challenges to terror management perspective. *Evolutionary Psychology*, 3, 279-296.
- Fortner, B. V., & Neimeyer, R. A. (1999). Death anxiety in older adults: A quantitative review. *Death Studies*, 23, 387-411.
- Fry, P. S. (2000). Religious involvement, spirituality and personal meaning for life: Existential predictors of psychological well-being in community-residing and institutional care elders. *Aging & Mental Health*, 4, 375-387.
- Heintz, L. M., & Baruss, I. (2001). Spirituality in late adulthood. *Psychological Reports*, 88, 651-654.
- Maltby, J., & Day, L. (2000b). The reliability and validity of the death obsession scale among English university and adult samples. *Personality and Individual Differences*, 28, 695-700.
- Maltby, J., & Day, L. (2000a). Depressive symptoms and religious orientation: Examining the relationship between religiosity and depression within the context of other correlates of depression. *Personality and Individual Differences*, 28, 383-393.
- Rosenblatt, A., Greenberg, J., Solomon, S., Pyszczynski, T., & Lyon, D. (1989). Evidence for terror management theory: I. The effects of mortality salience on reactions to those who violate or uphold cultural values. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57, 681-690.